

ماهیت عدالت در اسلام

مردو آناهد

• سامان هر کشوری آیینهای تصور مردم همان کشور از آفرینش است. حکومت اسلامی در ایران تصویر خالقی است که در ذهن مردم ایران نگاشته شده است. این مردم پذیرفته‌اند که کسانی به جای الله، خلیفه، می‌تواند بر آنها حکمرانی کند و آنها اجازه ندارند از فرمان او سرپیچی کنند ...

مردم ایران، مانند مردمان دیگر کشورهای جهان، نیاز به آزادی و دادگری دارند که بتوانند بدون ترس اندیشه‌ی خود را بازگو کنند. شهروندان تنها در برخورد و پیوند اندیشه‌ها می‌توانند از دشواری‌های اجتماع خود بکاهدند. مردمی که از بازگو کردن اندیشه‌ی خود می‌ترسند در دروغ پرورده می‌شوند و برای برآوردن نیازهای زندگی دانش و توان خود را در اختیار و در سوی نیروی حاکم می‌گذارند. به زبانی دیگر با گسترش ترس از گسترش اندیشه‌ی آزاد کاسته و بر نیروی زورگویان افزوده می‌شود.

در سیاهی‌ی ترس مردم نمی‌توانند به بن‌مایه‌ی ارزش‌های اجتماعی پی ببرند. در زیر فشار ترس سود یا زیان پدیده‌های اجتماعی آشکار نمی‌شوند و مردم نمی‌توانند به درستی آرمان‌های خود را بشناسند. از این روی فرهنگ چنین مردمی از تپش بازمی‌ماند و آنها پیوسته فریب می‌خورند ولی کمتر از شکست‌های خود می‌آموزند.

در درازای هزار و چهارصد سال، که اسلام بر مردم ایران حکم می‌راند، پدیده‌ی ترس با همه‌ی بخش‌های زندگانی آنها آمیخته شده است. آنان که در ترس زیست دارند به دروغ پناه می‌برند تا ترس خود را پنهان کنند. این مردمان، که در زندان ترس گرفتارند، دروغ را ابزار پیشرفت و کلید گشایش دشواری‌های خود می‌پندارند. این است که برخی از ایرانیان گشایش تنگی‌ها و درمان دردهای اجتماعی را به امام زمان، که به دروغ خلق کرده‌اند، واگذار می‌کنند تا از تنگی که در آن شناور هستند شرمند نباشند.

متولیان اسلام در سرزمین ایران ترس می‌کارند، مردم دروغ‌درو می‌کنند و فریب می‌خورند. این مردم حتا سخنان رسول الله و اوامر الله را به دروغ برمی‌گردانند تا خود را فریب دهند. الله خود را رحمان و رحیم نامیده است زیرا او گاهگاهی از عذاب و مجازاتی که برای مخلوق خود مهیا ساخته است می‌کاهد. گاهی هم از مجازات‌های سخت چشم می‌پوشد پس او غفور است. ولی الله هیچگاه بخشند و مهربان نیست، او مالک جهنم است، که پیکر انسان و مس گذاخته را برای آتش‌گیره‌ی دوزخ به کار می‌برد. ابر، زمین، خورشید و هوا، که از سرشت و هستی خود بر جانداران می‌افشانند، بخشنده هستند. با وجود اینکه هستی انسان از همین پدیده‌های بخشنده پیدایش یافته است ولی انسان خردمند فرمانبردار این پدیده‌ها نیست.

الله پیوسته با تهدید و عذاب از مردمان عبادت، اطاعت، جهاد و زکات می‌خواهد. او به راستی چیزی، که از خودش باشد، به جز ادعا ندارد که به کسی ببخشد بلکه او محتاج بخشش مسلمانان است. دیگر اینکه الله از هرگونه احساسات انسانی به دور است. پدیده‌های مهر، شادمانی، خشم، کینه و ترس از ویژگی‌های مخلوق او هستند. پس الله نمی‌تواند مهربان باشد. با اینکه معیارهای انبوه مردم ایران آگاهانه یا ناخودآگاه به احکام اسلامی آمیخته شده‌اند ولی مردم ما از اوامر الله بی‌خبرند و او را به نیکی‌هایی که خود دوست دارند متهم می‌کنند. الله کسانی که به دروغ صفتی را به او نسبت دهند لعنت می‌کند و آنها را به عذابی سخت گرفتار خواهد ساخت.

برای روشن شدن گفتار به مفهوم پدیده‌ی "عدالت" در اسلام می‌پردازیم. البته مفهوم "عدالت اسلامی" در عذاب‌هایی که الله برای دگراندیشان (کافران) مهیا ساخته است به روشنی نمایان می‌شود.

الله، در ۱۱۴ سوره‌ی قرآن بیش از چهارصد بار، مردمان را از عذاب‌های سنگین می‌ترساند. بیشتر عذاب‌های سخت برای کسانی فراهم شده‌اند که ایمان نیاورده‌اند یا از اوامر الله سرپیچی می‌کنند. البته سخت‌ترین مجازات‌ها برای کسانی است که گفتار رسول او را باور نمی‌کنند. یعنی در نزد الله آزادانه اندیشیدن به ویژه خردمندانه اندیشه کردن کفر شمرده می‌شود و دردناک‌ترین عذاب‌ها برای کسانی فراهم شده است که اندیشمند باشند.

این آیات، که از مجازات دگراندیشان سخن می‌گویند، به آن گونه ترس آور هستند که انبوهی از مردمان را به پذیرفتن پستی، خفت، بردگی و احکام انسان ستیزی وادار می‌کنند. آیات عذاب، که بیشتر آنها یکنواخت و همسان و همسنگ هستند، نیروی اندیشه را در انسان می‌خشکانند. از این روی تنها به بخش اندکی از این آیات، که ماهیت حکومت اسلامی را آشکار می‌کنند، اشاره می‌کنم. شاید مفهوم "مهرورزی در اسلام" برای برخی از مسلمانان که از شناختن ویژگی‌های الله پرهیز می‌کنند روشن بشود.

سوره ۲، البقره،

آیه ۷: الله بر دلها و بر گوش کافران مهر نهاده، و بر چشمهایشان پرده‌ای کشیده است و آنان را به عذابی بزرگ می‌آزارد. (مگر مردم آزاری به جز این است)

آیه ۵۹: آنگاه که ستم ورزیدند، سخن را به چیزی جز آنچه به آنان گفته شده بود، تبدیل کردند؛ پس بر سر ستمکاران به کیفر نافرمانیشان عذابی از آسمان فرو فرستادیم. (پس مفسرین راستین همیشه وجود داشته‌اند)

آیه ۶۸: ایشان کسانی هستند که زندگانی دنیا را به بهای آخرت خریدند؛ از این روی عذاب آنها کاسته نشود و یاری نیابند. (مانند حافظ که روضه‌ی رضوان را به جوی نمی‌خرد)

آیه ۴۸۲: آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن الله است؛ و آنچه را که در دل دارید آشکار کنید یا پنهان دارید، الله از شما حساب پس خواهد گرفت، آنگاه هر کس را که بخواهد می‌آمزد و هر کس را که بخواهد عذاب می‌کند؛ و الله بر هر کاری تواناست. (ولی با اجازه‌ی امام شیعیان)

روشن است که توانایی و زور الله از گسترش ترس در مردم می‌رویند و الله حقانیت خود را با زور پیروان، که از ترس به هم پیوسته‌اند، بر همگان تحمیل می‌کند. در این آیات سخن از زشتکاری یا نیکوکاری نیست؛ زیرا الله عذاب را به دلخواه بر هر کس که بخواهد وارد می‌آورد. حکومت در میان مسلمانان درست بر اساس حاکمیت الله بنا شده است. مردم مسلمان چنین شیوه‌ی ستمکارانه‌ای را زشت نمی‌دانند. زیرا هر زشتکاری، که از الله سر بزند، در آن حکمتی می‌پندارند که انسان آن را نمی‌داند. از این روی حکومت‌های اسلامی مشروعیت ستم کردن را از الله گرفته‌اند؛ آنها نیازی ندارند که حکمت ستمکاری خود را بر مردم روشن کنند. زیرا در بینش اسلامی انسان نادان است و اجازه ندارد و نمی‌تواند به رازهای حکمت پی‌ببرد.

سوره ۳، آل عمران،

آیه ۴: پیش از این فرستاده شده است، کسانی که به آیات قرآن کافر شدند، آنها کیفر شدیدی دارند و الله توانا و صاحب انتقام است. (حکومت اسلامی، انتقام جویی خود را، از الله یاد گرفته است)

آیه ۵۶: اما کافران را سخت عذاب کنیم در دنیا و در آخرت و برای آنها هیچ یآوری نیست. (به ویژه در حکومت اسلامی)

آیه ۹۱: کسانی که کافر شدند و در حال کفر از دنیا رفتند، اگر چه زمینی را پر از طلا کفاره بپردازند، هرگز از آنها قبول نخواهد شد؛ و برای آنان، مجازات دردناک است؛ و هیچ یآوری نخواهند داشت. (مگر مردگان هم کفاره می‌دهند؟)

آیه ۱۷۷: کسانی کفر را به جای ایمان خریده‌اند، به الله هیچ زبانی نمی‌رسانند؛ آنها را مجازات دردناکی برسد. (نیش عقرب نه از ره کین است)

سوره ۴، النساء،

آیه ۱۴: و آن کس که از او امر الله و رسولش سرپیچی کند و از احکام او بگذرد، او را در آتشی جاودانه وارد می‌کند؛ و برای او مجازات خوارکننده‌ای است. (پس شافع محشر چه کاره است؟)

آیه ۴۸: پس بکش در راه الله، و مومنان را بر این تشویق کن، تو پاسخگوی نیستی! باشد که الله از قدرت کافران جلوگیری کند، الله قدرتش بیشتر و مجازاتش دردناکتر است. (اکنون به مومنان می‌گویند: تروریست‌های اسلامی)

آیه ۱۵۱: آنها گروه کافراند؛ به حقیقت برای آنها مجازات خوارکننده‌ای فراهم ساخته‌ایم. (دستت درد نکنه)

سوره ۵، المائده،

آیه ۶۳: اگر تمام آنچه روی زمین است و همانند آن مال کافران باشد و بخواهند، با آنها، کیفر روز قیامت را بخرند، از آنان پذیرفته نخواهد شد؛ و دردناک مجازات خواهند شد. (ولی مسلمانان می‌توانند خیلی ارزان قیامت را بخرند)

آیه ۳۷: آنها که گفتند: (الله، یکی از سه خداست) بی‌یقین کافر شدند؛ الله یگانه معبودی است؛ و اگر از آنچه می‌گویند دست بر ندارند، عذاب دردناکی بر آنها خواهد رسید. (اگر پاپ دل شیر هم داشته باشد عقیده‌ی خود را بازگو نمی‌کند)

آیه ۱۱۵: **الله گفت: اگر بر آنچه که بر شما فرود آورده ام کافر شوید، شما را آن چنان عذاب دهم که احدی از جهانیان را چنان عذاب نکرده باشم.** (پس بیشتر مسلمانان جهان کافر شدند که عذاب می‌کشند؟)

الله در قرآن سدها بار کافران را به عذابی دردناک تهدید کرده است. کافر کسی است که به اسلام ایمان ندارد. یهودها و مسیحی‌ها هم کافر هستند. شگفتی در این است که مسلمانان نه تنها از این آیات شرمی ندارند بلکه الله را با همین ویژگی‌ها عادل می‌پندارند. بر همین اساس است که مسلمانان پیشوایان خود را برای کشتار دگراندیشان در راه الله ستایش می‌کنند و خودشان هم به ریختن خون کفار افتخار دارند.

اگر روشنفکران ما اندکی در مورد ماهیت الله، که در آیات قرآن نمایان است، اندیشه کنند خواهند دانست که در حکومت اسلامی شکنجه دادن و کشتن دگراندیشان اجرای عدالت الاهی است. در این احکام هر کس که ورای اوامر الله اندیشه کند کافر است و اندیشه کردن کافر، محارب با الله شمرده می‌شود، مجازات کافر در این دنیا اعدام است.

در این آیات دیده می‌شود که کردار کافران معیار سنجش عذاب و مجازات آنها نیست، یعنی نیازی نیست که کافر با اسلام دشمنی داشته باشد یا کاری برخلاف احکام انجام دهد بلکه هر کافری که به اسلام ایمان نیاورد به سختی عذاب خواهد کشید و مجازات می‌شود. در برابر الله کافرانی هم که کرداری همسان و همسو با احکام اسلام داشته باشند (بسان یهودی‌ها) باز هم سزاوار عذاب هستند. (البته در سوره توبه، آیه ۲۹ آمده است: **بکشید کسانی را که به الله و احکام (...)** او ایمان ندارند، همچنین آن دسته که خود اهل کتاب هستند ولی اسلام را نپذیرفتند؛ مگر اینکه تعهد کنند که با خواری و خفت بدست خود جزیه بپردازند.)

آیا آزادیخواهان می‌توانند اوامر الله را در مورد کافران (دگراندیشان) بپذیرند یا از شنیدن چنین گفتاری، که از گسترش اندیشه جلوگیری می‌کند، بر خود می‌لرزند و شرمند می‌شوند. اگر کسی اوامر خشناک الله را بپذیرد، پس او خود ستمکار است، نمی‌تواند آزادیخواه باشد. اگر کسی آزادیخواه باشد، او آیات خشم‌آور الله را رد می‌کند، پس الله و والیان الله برای او عذابی دردناک مهیا می‌سازند. کسانی که گرگ را در خانواده‌ی خود پرورش می‌دهند باید بدانند که سرانجام گرگ زاده گرگ خواهد شد. نمونه: جهادگران طالبان و بن لادن از پرورش یافتگان آمریکا هستند، که آمریکا آنها را برای جهاد با سربازان شوروی آموزش داده است، ولی می‌بینیم که مجاهدین اسلام در راه الله بر ضد پروردگار خود هم جهاد می‌کنند.

گرچه در اسلام انسان با الله همسرشت نیست ولی مسلمانان به کردار و ویژگی‌های الله را به کار می‌برند.

سوره ۶ الانعام،

آیه ۳۴: **چرا هنگامی که ما آنها را عذاب دادیم زاری نکردند؟! بلکه دل‌های آنها سخت شد و هر کاری که می‌کردند، شیطان آنرا زیبا جلوه می‌داد.** (چرا زور الله به شیطان نمی‌رسد؟)

آیه ۴۹: **و آنها که آیات ما را دروغ پنداشتند، برای این گناه عذاب خواهند کشید.** (در زیر شکنجه توبه می‌کنند)

آیه ۱۲۵: **آن کس را که الله بخواهد سینه‌اش را برای اسلام، گشاده می‌سازد؛ و آن کس را که گمراه بخواهد، سینه‌اش را آنچنان تنگ می‌کند که گویا او به آسمان پر می‌کشد، به این گونه الله پلید می‌سازد، کسانی که ایمان نمی‌آورند.** (پس معراج از تنگ دلی پدیدار می‌شود؟)

سوره ۷ الاعراف،

آیه ۴: **چه بسیار شهرها را ویران کردیم، عذاب ما، شب‌هنگام، یا در هنگام خواب نیمروز، بر آنها وارد آمد.**
آیه ۹۷: **آیا اهل آبادیها، هنگام خواب ایمنی خواهند داشت، زمانی که عذاب ما شبانه به سراغ آنها بیاید.** (به این می‌گویند: عدالت در اسلام)

سوره ۸ الانفال،

آیه ۳۱: **برای این که آنها با الله و رسولش لجابت کردند و هر کس با الله و رسولش لجابت کند، الله شدید العقاب است.** (هر کس که زیر بار نرفت لجباز است؟)

سوره ۹ التوبه،

آیه ۱۴: **بکشید آنان را تا الله آنها را به دست شما عذاب دهد و رسوا سازد، و بر قلب شما مرهم نهد شما را شفا بخشد.** (پس در حکومت اسلامی خیلی یدالله داریم)

سوره ۱۷ بنی اسرائیل،

آیه ۱۰: و آنها که به قیامت ایمان نمی‌آورند، برای آنان عذاب دردناکی آماده ساخته‌ایم. (اگر ایمان بیاورند چی؟)

سوره ۲۰ طه،

آیه ۸۴: به ما وحی شده که عذاب بر کسی است که انکار کند و سرپیچی نماید. (پس راهی به جز تسلیم نیست)

آیه ۱۲۷: و همچنین جزا می‌دهیم کسی را که با سرسختی به آیات الهی ایمان نیاورد! و نیز عذاب آخرت شدیدتر و پایدارتر است. (لعنت و رحمت الله برای کافر چه مفهومی دارد؟)

در این آیات و سدها آیات دیگر در قرآن، سخن از عذاب دادن به کسانی است که ایمان نمی‌آورند، سخن از سوختن اندیشه‌ی انسان است که او باید از اوامر الله بدون چون و چرا اطاعت کند. چون خرد انسان ناراستی و نادرستی را نمی‌پذیرد؛ این است که فقها و علمای اسلامی می‌کوشند تا همه‌ی خشمی که الله بر مردمان وارد می‌سازد "عقلانی" تفسیر کنند. بازدهی همه‌ی تعبیر و تفسیرها این است: هر آنکس که خفت بردگی را بپذیرد عاقل و مسلمان است، آن کس که خردمندانه بیندیشد جاهل و کافر شمرده می‌شود. کسانی که ادعا دارند که: "الا اکرآه فی الدین" به مفهومی است که هر کس آزاد است اسلام را بپذیرد یا رد کند؛ این کسان اگر دروغگو نباشند خودفریبند. در سوره البقره، آیه ۲۵۶ می‌گوید: در کار دین اکراهی نیست؛ زیرا که راه از بیراهه به روشنی آشکار شده است.

به درستی از آیات دیگر آشکار می‌شود که هر مسلمان باید، یعنی مجبور است، اسلام را به آنگونه که امر شده است بپذیرد و در ایمان او نباید هیچ اکراهی وجود داشته باشد. اگر در ایمان کسی اکراهی باشد او کافر است و مجازات می‌شود. هیچ اکراهی نیست چون، از دیدگاه رسول الله، همه چیز روشن بیان شده است.

سوره ۲۲ الحج،

آیه ۲۲: هر آن گاه که آنها بخواهند از عذاب دوزخ خارج شوند، باز پس رانده می‌شوند؛ پس بچشید عذاب آتش را.

آیه ۵۷: و کسانی که کفر کردند و آیات ما را دروغ شمردند، برای آنها عذاب خوارکننده‌ای فراهم است.

سوره ۳۲ المومنون،

آیه ۷۶: آنها را به عذابی سخت گرفتار ساختیم، ولی آنها نه الله را ستوند و نه به زاری پرداختند.

سوره ۵۳ فاطر،

آیه ۶۳: کسانی که کافر شدند، آتش دوزخ برای آنهاست؛ نه به مردن آنها امر می‌دهیم و نه چیزی از عذابش از آنان کاسته می‌شود، ما این گونه هر کافران را جزا می‌دهیم.

سوره ۶۵ الطلاق،

آیه ۸: چه بسیار (مردم) آبادیها که از فرمان الله و رسولانش سرپیچی کردند و ما بشدت از آنها حساب پس گرفتیم و به مجازات کم‌نظیری گرفتار ساختیم.

سامان هر کشوری آیینی تصور مردم همان کشور از آفرینش است. حکومت اسلامی در ایران تصویر خالقی است که در ذهن مردم ایران نگاشته شده است. این مردم پذیرفته‌اند که کسانی به جای الله، خلیفه، می‌تواند بر آنها حکمرانی کند و آنها اجازه ندارند از فرمان او سرپیچی کنند. این است که نادان پروران حکومت پیوسته کردار و دستورات ولایت فقیه را ستایش می‌کنند و اندیشه‌ی همگان را از شناخت راستی باز می‌دارند. این است که سرکردگان حکومت اسلامی بدون شرم و وظایفی بر مردم می‌گذارند و مردم ناآگاهانه بدون ننگ آن اوامر را اجرا می‌کنند.

نخست سرکرده‌ی حکومت می‌گوید که "ما" چه می‌خواهیم یا چه نمی‌خواهیم و نوکران الله هم آن گفته را ستایش می‌کنند، سپس برخی از مردم برای سودجویی بیعت خود را آشکار و برخی از ترس چماقداران به نوازش اسلام‌فروشان دیگر می‌پرازند. کسانی که اجازه ندارند حتا پوشاک یا همسر خود را آزادانه برگزینند چگونه می‌توانند فریاد بزنند: "انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست". آیا این کسان تا کنون ندانسته‌اند که آزادانه اندیشه کردن، بدون ترس سخن گفتن، حقی است که با هر انسانی زاییده می‌شود. ولی این حق مسلم انسان از ایرانیان گرفته شده است.

دریافت بازتاب از دیدگاه خوانندگان: MarduAnahid@yahoo.de